



اعمل ۱۷، ۲۲-۳۴

پس پولس در میان مجمع 'آریوپاگوس' برخاست و گفت: «ای مردان آنتی، من شما را از هر لحاظ بسیار دیندار یافته‌ام . 23 زیرا هنگامی که در شهر سیر می‌کردم و آنچه را که شما می‌پرسیدید 23:17 یا: "معابد شما را." نظاره می‌نمودم، مذبحی یافتم که بر آن نوشته شده بود: "تقدیم به خدای ناشناخته". حال، آنچه را شما ناشناخته می‌پرسیدید، من به شما اعلام می‌کنم. «24 خدایی که جهان و هر آنچه را در آن است آفرید، مالک آسمان و زمین است و در معابد ساخته دست بشر ساکن نمی‌شود 25. دستان بشری نمی‌تواند خدمتی به او بکند، چنانکه گویی به چیزی محتاج باشد، زیرا خود بخشنده حیات و نفس و هر چیز دیگر به جمیع آدمیان است 26. او همه اقوام بشری را از یک انسان 26:17 در اصل یونانی: "یک خون." پدید آورد تا در سرتاسر زمین ساکن شوند؛ و زمانهای تعیین شده برای ایشان و حدود محل سکونتشان را مقرر فرمود 27. تا مردمان او را بجویند و چه‌بسا که در پیش گشته، او را بیابند، هرچند از هیچ‌یک از ما دور نیست . 28 زیرا در اوست که زندگی و حرکت و هستی داریم؛ چنانکه برخی از شاعران خود شما نیز گفته‌اند که از نسل اویم. «29 پس چون نسل خداییم، شایسته نیست چنین بیندیشیم که الوهیت همانند زر یا سیم یا سنگی است که با هنر و خلایق آدمی به صورت تمثالی تراشیده شده باشد 30. در گذشته، خدا از چنین جهالتی چشم می‌پوشید. اما اکنون به همه مردمان در هر جا حکم می‌کند که توبه کنند 31. زیرا روزی را مقرر کرده که در آن به واسطه مردی که تعیین کرده است، جهان را عادلانه داوری خواهد کرد، و با برخیزانیدنش از مردگان، همه را از این امر مطمئن ساخته است.» 32 چون درباره رستاخیز مردگان شنیدند، برخی پوزخند زدند، اما دیگران گفتند: «می‌خواهیم در این باره باز از تو بشنویم 33 بدین‌گونه پولس مجمع را ترک گفت 34. اما تئتی چند بدو پیوسته، ایمان آوردند. دیونیسیوس، عضو مجمع 'آریوپاگوس'، زنی داماریس نام، و نیز چند تن دیگر، از آن جمله بودند.

چه جالب است که پولس، شاگرد خاخام معروف یهودی گامالیل، با یونانیان در مورد خدایانشان صحبت کرد. چه کسی پولس را تغییر داد تا او از یهودی تعصبی به فیلسوف جهانوطن تغییر کند. پولس حتی شعر یونانیان را اینگونه نقل کرد: " زیرا در اوست که زندگی و حرکت و هستی داریم؛" پاسخ این سوالات به عهده ی خود خداوند یکتا است که همه چیز را آفرید. خدای واحدی که نا تنها ما را آفرید اما می خواهد بخشی از زندگی ما باشد. پولس در متن امروز در وسط شهر آتن ایستاد تا همین خدای را با زبان یونانیان معرفی کند. پولس اطمینان داشت که همین خدا پیام مهمی برای مردم کل دنیا دارد. خدایی که پولس از او صحبت کرد همان خدایی است که هر یکشنبه او را می پرستیم و به او اطمینان داریم، و امیدواریم که او دعای ما را اجابت کند و امیدواریم که او زندگی ابدی را به ما بدهد. این خدای، که سزاوار پرستش است، می خواست در وسط شهر یونانی باشد. و او می خواهد امروز نیز در میان جامعه باشد. او می خواهد که صدای او شنیده شود. و او می خواهد مردم باور قلبی داشته باشند یا می خواهد که مردم راه بازگشت به ایمان را پیدا کنند. روزهای قبلی پیشنهادی کاملاً جدید از کلیسای ما SELK به من رسید. (Selk نام کلیسای ماست). برگزارکنندگان این برنامه تشخیص دادند که جوانان کمتری به کلیسا تعلق دارند. با این حال جوانان هنوز علاقه ای به ایمان دارند اما به احتمال زیاد زبان کلیسا دیگر برای آنها قابل درک نیست. آیا ممکن است که ما مسیحیان مدرن مسیر پولس را به میان جامعه فراموش کرده باشیم؟ در آن زمان پولس گفت که به خاطر انجیل در جمع

یهودیان یهودی بود و در جمع یونانیان یونانی بود. آیا نباید امروز، به خاطر پیام خدا، نزدیکتر به انسان مدرن باشیم؟ برای مثال باید برای جوانان جوان باشیم و حتی باید تلاش کنیم تا بتوانیم بی خدایان را بهتر درک کنیم. آیا ممکن است که ما جرات نداشته باشیم آن کار را انجام دهیم زیرا می ترسیم که مقام خود را در زمینه ی الهیات از دست دهیم یا عقاید متفاوت بر ما غلبه کنند؟ به نظر می رسد پولس این ترس را نشناخته بود. او جرات کرد به مکان اصلی عبادت یونانیان برود و جرات کرد از زبان آنها استفاده کند. حتی جرات کرد اصول مهمی از خدایان خودشان را نقل کند. پولس در جای عبادت یونانیان علاوه بر خدایان گوناگون خدای ناشناخته را نیز پیدا کرد. یونانیان این خدای ناشناخته را نیز اضافه کرده بودند چون می ترسیدند که از روی اتفاق یک خدا از میان خدایان گوناگون را فراموش کرده باشند و به این دلیل آن خدای ناشناخته را ناراحت کنند. و پولس با این خدای ناشناخته شروع کرد و می خواست از این طریق به خدای حقیقی برسد. پولس گفت: "شما به دنبال خدا هستید و این کار درست است!" انسانها همیشه به دنبال خدا هستند. آنها او را در پیش بینی های شان دنبال می کنند، در احساسات شان، در قوانین شان و یا حتی در تجربیات چشمگیر طبیعت در جستجوی خدا هستند. اما اگر ما انسانها اصرار کنیم که خدا در جایی باشد که ما مکانش را انتخاب کرده ایم، در مورد چیز دیگری غیر از خدا صحبت می کنیم. خدا اجازه نمی دهد در جعبه های خیالی ما انسانها بسته بندی شود. و سپس پولس یونانیان را با یک چالش بزرگ روبرو کرد. و گفت: «این خدای ناشناخته ای که آنها دارند همان خدای زنده است.» او کسی است که با دست انسان ساخته نشده است. کسی است که همه چیز را در دنیا آفریده است. کسی که از ذهن انسان تولید نمی شود و در کارگاه مجسمه ساخته نمی شود. و سپس پولس دوباره قلب فیلسوفان یونانی را تکان داد و گفت: «این خدای ناشناخته به ما نزدیک است.» نه به این دلیل که ما انسانها، همانطور که یونانیان گفتند، ذات الهی داریم، بلکه چون این خدای متعال به شکل انسان تغییر یافته بود. پولس اذعان کرد که یونانیان به دنبال خدا بودند. و با اشاره به آن آرزوی به خدا شروع کرد اما در ادامه به هدفش رسید. و گفت: در واقع، شما فقط در هر کاری که می کنید به دنبال خدای واحد هستید! او یکی است و می ماند! و این خدا به ما علاقه مند است. او می خواهد بدانیم که او ما را ساخته است! سرانجام نباید اصرار کنیم که خدا را بسازیم، ما باید بپذیریم که خدا است که ما را آفریده است. و ما انسانها خالق خدا نیستیم. هرکسی که با این خدا روبرو شود باید توبه کند. او باید احساساتش را کنار بگذارد و خواسته های خود را پشت سر قرار دهد. فقط خدا باید حرف بزند. آنچه این خدا از طریق پولس گفت چالشی بزرگ برای یونانیان در آن زمان ایجاد کرد. آنها باور داشتند که طبیعت در چرخه ای ابدی باز خواهد گشت اما این خدا می خواست همه چیز را به پایان عظیم جهان رهنمون کند. همه ما انسانها باید به سمت قضاوت عظیم خدا حرکت کنیم. هر آنچه که ما انسانها به دست آورده و انجام داده ایم. هر کاری که نتوانستیم انجام دهیم در یک نقطه خلاصه می شود. این نقطه داوری خدا است. این عقیده اضطراب آور است. و به این ترتیب همه انسانها حدس می زنند که همه چیز در نقطه مهمی به پایان خواهد رسید. خدا گفت «اما اکنون به همه مردمان در هر جا حکم می کند که توبه کنند. زیرا روزی را مقرر کرده که در آن به واسطه مردی که تعیین کرده است، جهان را عادلانه داوری خواهد کرد» شنوندگان پولس در آن زمان شوکه شده بودند. آنها هنوز اینگونه به خدا فکر نکرده بودند. پولس خدایی را معرفی کرده بود که نه تنها می شود در موردش بحث کرد بلکه او حتی در زندگی ما نیز دخالت می کند. او چیزی از ما انتظار دارد. خدا یک مجسمه غیر قابل حرکت نیست، اما رو به روی ما می ایستد و چیزی از ما می خواهد. از ما می پرسد «چه کاری با زندگی خود انجام داده اید؟» همچنین از ما می پرسد «چه کاری با انجیل گرانها کرده اید؟» هر کسی که با این خدا کار کند مجبور است تجربیات خود را پشت سر قرار دهد. باید زندگی خود را تغییر دهد. همه چیز باید جدید شود

چنین قضاوتی از جانب خدا به خودی خود اتفاق نمی افتد فردی قوی باید پشت آن بایستد. و این دقیقاً همان چیزی است که پولس پرانرژی اعلام می کند. این خدا کیست؟ این خدایی است که نزدیک به ما انسانها می آید. خدایی که با دست انسان ساخته نمی شود. و نیز نمی توانیم او را با کار نیک خود خریداری کنیم. نه، پولس خدایی را که زندگی را ایجاد کرد به ما معرفی کرد. و خدا همین زندگی را برای ما نیز به ارمان می آورد. خدایی که به شکل انسان آمد و کاملاً انسانی است. با همه پیامدهای انسانی! خدایی که درگیر دنیا می شود. خدایی که دلسوز است و از سرنوشت این دنیا و همه کسانی که در آن زندگی می کنند رنج می برد. خدایی است که می گوید: "من هر روز تا پایان دنیا با شما هستم." خدایی که رنج می کشد. آنچه پولس اعلام کرد خیلی تکان دهنده بود. خدایی ما خدای نیست که باید برایش قربانی کنیم بلکه خدایی است که خودش را فدای ما می کند. این موارد غیر قابل درک بود. ما از یک خدا صحبت می کنیم که خدایی دور است و در عین حال به ما بسیار نزدیک می آید زیرا به همان اندازه که به ما نزدیک است ما نیز به او نزدیک می شویم. این در ایده های محققانی که پولس با آنها روبرو بود، نمی گنجید و در ایده های ما نیز نمی گنجد. و همه اینها در یک نفر تأیید می شود. عیسی رستاخیز شده!

در پایان، تنها یک سوال باقی می ماند. همه آن اتفاق چگونه پایان می یابد؟ در آن زمان در شهر یونانیان اکثر مردم پولس را مسخره کردند. و پولس در پایان دوباره میان شهر آنها قدم زد. همه اینها قطعاً او را تحت تأثیر قرار داد. و بنابراین ما نمی توانیم از این تجربه مایوس کننده که همه نمی توانند از پیام انجیل خوشحال شوند، جلوگیری کنیم. عواقب خطبه پولس موفقیت آمیز به نظر نمی رسید. برخی مستقیماً مسخره کردند. برخی خواستند پولس را بعداً دوباره بشنوند. و برخی کمتر باور کردند. جامعه مسیحی همیشه اینگونه بوجود می آید. کلیسا اینگونه به وجود آمد. اینگونه رشد کرد. امروز نیز خدا اینگونه کار می کند. آمین